

۴۹ درصد طلاق‌ها در ۵ سال اول ازدواج اتفاق می‌افتد

12 فروردین 1404

فراوانی طلاق از ۵۰ هزار طلاق در سال به حدود ۲۰۰ هزار طلاق رسیده است.

علیرضا لاور، کارشناس حوزه خانواده و مدرس دانشگاه در خصوص نگرانی‌ها در مورد افزایش طلاق اظهار کرد: آمارها نشان می‌دهد که واقعاً مسئله افزایش روند طلاق در کشور ما جدی است و باید برای آن یک تصمیم جدی گرفت. در مورد طلاق مشخصاً در حوزه فراوانی، نرخ خام و نرخ خالصش، صعودی است. فراوانی طلاق از ۵۰ هزار طلاق در سال به حدود ۲۰۰ هزار طلاق رسیده است. نرخ خام طلاق هم یعنی همین تعداد را تقسیم بر کل جمعیت کنیم که باز افزایش داشته است. در اینجا نرخ خالص طلاق یعنی تعداد طلاق تقسیم بر تعداد افرادی که در معرض طلاق هستند، مد نظر است.

وی افزود: بنابراین افزایش نرخ خالص طلاق اتفاقی است که حتماً باید برای سیاست‌گذاری شود و یک کنش اجتماعی در این زمینه اتفاق بیفتد. از این رو برداشت عمومی مردم در خصوص عمومیت ازدواج و افزایش جوانانی که نمی‌خواهند ازدواج کنند، یا افزایش سن ازدواج، و حتی افزایش طلاق هم درست است. فرد می‌گوید ما قبلاً این تعداد طلاق در اطرافیانمان نداشتیم و از همین رو متوجه تغییراتی که رخ داده می‌شود.

لاور با اشاره به اینکه امروز ۱۴ درصد طلاق‌ها میان زوجینی است که یک سال از زندگی‌شان گذشته است بیان کرد: یعنی از هر ۱۰۰ تا طلاقی که ثبت می‌شود ۱۴ تا در سال اول ازدواج رخ داده است. یک تحلیل‌گر این را در نظر می‌گیرد که در جامعه ما این‌گونه نیست که افراد خیلی زود وارد زندگی شوند و دوران عقد را طی می‌کنند. پس می‌توان علت اصلی طلاق در این بازه زمانی را به دست آورد. مثلاً مسئله‌ای به نام فقر اقتصادی یا اعتیاد و خیانت در طلاق‌های یک سال اول زندگی مشترک هیچ معنایی ندارد، چون یا دو نفر در دوران عقد هستند یا اساساً در نقطه شروع زندگی مشترک حمایت خانواده‌ها را دارند. این موضوع قطعاً به عدم انتخاب صحیح برمی‌گردد.

وی همچنین گفت: ۴۹ درصد طلاق‌ها در ۵ سال اول ازدواج اتفاق می‌افتد. در اینجا بحث مهارت‌های زندگی و مهارت حل مسئله مطرح می‌شود. ۳۳ درصد از طلاق‌ها به واسطه عدم مهارت‌های رابطه زوجین با هم است که یک بخش از آن به عدم تفاهم زناشویی برمی‌گردد.

لاور در ادامه بیان کرد: ما یک رخداد اجتماعی داریم، یک زمانی دچار آسیب اجتماعی شده‌ایم، یک وقتی می‌گوئیم دچار یک بحران اجتماعی شدیم. طلاق حتماً آسیب اجتماعی است، اما تفاوتش با نقطه بحران این است که در بحران تقریباً دیگر همه چیز از دست رفته و باید به سمت نوسازی پایه‌ای برویم. اما نقطه آسیب وقتی است که می‌توان روی مکانیزم‌های پیشگیری، کنترل، نظارت و کاهش تمرکز کرد.

وی افزود: ترسیم درست مسئله منجر به تصمیم درست می‌شود. اگر یک آمار سرشار از غلط در تحلیل و پر از سیاه‌نمایی و غیرواقعی منتشر شود، یعنی گزارش پدیده طلاق برود در مقطع بحران و فاجعه و دیگر سیاست‌گذار می‌گوید من هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم.



این کارشناس حوزه خانواده ضمن بیان اینکه دو ترسیم متفاوت از وضعیت، دو تصمیم کاملاً متفاوت به دست می‌دهد، گفت: ما با قاطعیت می‌گوئیم که ما در حوزه طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی دچار چالش هستیم. اما عمومیت ازدواج در کشور ما در نقطه آسیب نیست و یک پدیده اجتماعی است یعنی هنوز جوانان ما تمایل به ازدواج دارند که باید برای این موضوع تصمیماتی بگیریم و هنوز فاجعه نیست. اما افزایش سن ازدواج حتماً در نقطه آسیب و نزدیک به بحران است. حالا چه افزایش طلاق چه افزایش سن ازدواج آنقدر نرخ آسیب‌پذیری پررنگ است که در معرض تبدیل شدن به بحران است.

وی همچنین گفت:، اما سیاه‌نمایی در حدی که بگوییم که از هر دوتا ازدواج یکی طلاق است این اشتباه بوده و بازی با آمار است. وقتی ترسیم درست مسئله کنیم راه حل کاملاً شفاف می‌شود. اگر افزایش سن ازدواج را در نظر بگیریم روی شاخص‌های کاهش میانگین سن ازدواج کار می‌کنیم. مثلاً سیاست‌های تشویقی ازدواج، سیاست‌های مسکن را بازبینی می‌کنیم. اما برخی در کشور ما کاسب طلاق هستند و به دنبال حل مسئله نیستند.